فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc472895773)

[ادله اثبات حجیت تخییریه 2](#_Toc472895774)

[دلیل دوم حجیت تخییریه 2](#_Toc472895775)

[دلیل سوم حجیت تخییریه 3](#_Toc472895776)

[دلیل چهارم حجیت تخییریه 4](#_Toc472895777)

[مناقشه دلیل چهارم؛ اطلاقات ادله لفظیه برای حجیت تخییریه 4](#_Toc472895778)

[دایره سیره عقلائیه و متشرعه 4](#_Toc472895779)

[شمول ادله لفظیه نسبت به سیره متشرعه 5](#_Toc472895780)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسئله تقلید (تخییر بین دو مجتهد مساوی)

# اشاره

در صورتی دو مجتهد مساوی در علمیت باشند، نظر مشهور تخییر بین دو مجتهد بود، اما نظر مرحوم آقای خویی احتیاط بین اقوال بود.

این بحث در دو مقام قابل بحث است:

1- مقام ثبوتی، در عالم ثبوت فی نفس الامر؛ آیا امکان تصویر حجیت تخییریه هست یا نه؟ حجیت تخییریه معقول است، مرحوم آقای خویی تخییر عقلی را پذیرفته‌اند، بعضی تخییر شرعی و مطابق ادله را قابل‌قبول دانسته‌اند.

# ادله اثبات حجیت تخییریه

2- مقام اثباتی، ادله اقامه شده برای اثبات حجیت تخییریه عبارت‌اند از:

1- ادعای اجماع شده که اصحاب در صدر اول معتقد به حجیت تخییریه بوده‌اند، این ادعا را مرحوم آقای خویی و آقای حائری و بعضی دیگر جواب دادند که مسئله به این صورت مطرح نبوده است و متأخر از آن‌ها به حجیت تخییریه اشاره‌کرده‌اند که ارزشی ندارد.

# دلیل دوم حجیت تخییریه

2- دلیل دوم این است که سیره متشرعه بر حجیت تخییریه قائم بوده است، امکان دارد ادعا شود که آنچه در متشرعه رواج داشته، در هنگامی که مجتهدان متعددی بودند، کسی احتیاط نمی‌کرده، بلکه هنگام مواجه با مسئله از میان افرادی که صاحب‌نظر بودند، سؤال می‌کردند و طبق جواب عمل می‌کردند، ظاهراً فقها هم این نظر را داشتند.

با توجه به دلیل دوم؛ روی دلیل اول یک تقریر جدیدی صورت می‌گیرد و آن این است که؛ گاهی مسئله‌ای تصریحاً در کتاب‌ها مطرح می‌شود و گاهی مسئله بسیار شفاف و روشن است که معلوم هست که فقها هم این نظر را قبول دارند.

سیره متشرعه؛ بحث صغروی و کبروی دارد، بحث صغروی این هست که گفته شود اصل این سیره منعقد بوده است، امکان دارد در بحث صغروی این اشکال وارد باشد که؛ آنی که سیره بر آن رواج داشته، جایی بوده که می‌دانستند این‌ها با هم مخالفتی ندارند، یا لااقل علم نداشتند که مجتهدین آراء متفاوت و متعارض دارند، در اینجا همه تخییر را قبول داشتند، محل اختلاف در جایی است که دانسته شود که مجتهدین در بحث نماز قصر یا جمعه و امثالهم، تفاوت رأی دارند، اشکالی که هم به اجماع و هم به سیره وارد است این است که حجیت تخییریه نسبت به آنجایی که علم به مخالفت مجتهدین هست، مشخص نیست که شمول داشته باشد.

امکان دارد به این صورت جواب داده شود که در سیره متشرعه ارزشی ندارد دانسته شود؛ مخالفتی بین مجتهدان هست یا خیر، دوم اینکه اختلاف آراء معمولاً وجود دارد، حتی اگر آراء متفاوت دانسته می‌شده، بنابر احتیاط گذاشته نمی‌شده و بلکه به یکی از آراء عمل می‌کرده.

اگر احتمال داده شود که اجماع مدرکی است، یا اینکه سیره ناشی از برداشت و اجتهاد در ادله است، در این صورت ارزشی پیدا نمی‌کنند، مگر اینکه گفته شود که منظور از سیره متشرعه؛ سیره عقلاست.

# دلیل سوم حجیت تخییریه

3- دلیل سوم این است که در حجیت تخییریه از بحث اجماع و سیره متشرعه عبور شود و گفته شود که دلیل سوم برای حجیت تخییریه سیره عقلائیه است، در مسئله‌ای که کارشناسانی وجود دارند و آراء متفاوت دارند، عقلا قائل به تخییر هستند، سیره متشرعه ناشی از ارتکاز شرعی خاص نیست، بلکه ارتکاز عقلایی بوده است که در اینجا طبق سبک عقلایی و کشش‌های عقلایی؛ مردم در مسائل شرعی عمل می‌کردند، سیره غالباً حجیتش به عدم ردع باشد و گفته شود که در زمان شارع این سیره بوده است، لذا با سیره عقلائیه مسئله ثابت می‌شود.

اصل در دلایل سه‌گانه سیره عقلائیه است، دو دلیل دیگر در پرتوی سیره عقلائیه شکل گرفته‌اند.

اشکال در سیره عقلائیه که دلیل لبی است و قدر متیقن جایی هست که علم به مخالفت ندارد؛ وجود دارد، دفع اشکال به این است که دلیل لبی در جایی که محل بحث که اختلاف آراء است؛ فکر می‌شود که سیره عقلائیه وجود دارد و سیره عقلائیه می‌گوید به یکی از آراء عمل بشود.

# دلیل چهارم حجیت تخییریه

4- دلیل چهارم اطلاقات ادله لفظی است، اگر قائل به این شدیم که اطلاقات لفظی برای مراجعه به مجتهد و کارشناسان وجود دارد، اطلاقات صورت عدم علم یا علم به مخالفت به مجتهدان را در برمی‌گیرد، «**فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ**»[[1]](#footnote-1) «**فارجعوا الی روات احادیثنا**»[[2]](#footnote-2) طبعاً شمول به‌صورت اطلاق بدلی است.

# مناقشه دلیل چهارم؛ اطلاقات ادله لفظیه برای حجیت تخییریه

مناقشه دلیل چهارم این است که قبلاً گفته شد اطلاق نمی‌تواند حالت‌های متعارض را در بربگیرد، این اشکال برگشت به مقام اول و بحث ثبوتی است که جواب مناقشه ذکر شد.

مناقشه دوم این است که اطلاق لفظی در اینجا نداریم، بلکه همه دلیل سیره عقلائیه است و ادله لفظیه اطلاقی ندارد، یا اینکه دلیل لفظی تمام نیست، اگر هم تمام باشد، ادله لفظیه در مورد سیره وارد می‌شوند، حمل بر سیره می‌شوند و اطلاقی جدای از سیره ندارند.

اشکال دوم مبنایی است، ادله لفظیه که بررسی شد، بعضی از آن‌ها به‌عنوان دلیل لفظی تام دانسته می‌شد و بعضی از آن‌ها به‌گونه‌ای است که دارای اطلاق است و صرف اینکه ادله لفظیه در مورد سیره جاری شود، دلیل نمی‌شود که دلیل لفظی اطلاق ندارد و تابعی از آن سیره است، بلکه در آنجایی که سیره هست، اگر دلیل لفظی آمد، سیره اطلاق نداشت.

# دایره سیره عقلائیه و متشرعه

در مواردی که سیره عقلائیه است، مثل قاعده ید، حجیت خبر، سوق مسلمین، اگر دلیل لفظی مطابق سیره آمد که اگر این در مورد سیره نبود؛ اطلاق داشت، سیره دایره محدودتر دارد که باید قدر متیقن آن را گرفت، آیا این دلیل لفظی را می‌شود گفت که اطلاق دارد و فراتر از سیره دلالت می‌کند، یا اینکه ادله لفظیه در محل سیره وارد بشود؛ تابعی از سیره است، مثل «**فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ**» یا «**فارجعوا الی روات احادیثنا**» اقوال و اطلاقاتی است که می‌شود در چهارچوب سیره تفسیر بشود، فراتر از دایره سیره؛ شمول و اطلاق ندارند.

مستشکل این بیان را دارد که اطلاقات نمی‌تواند فراتر از دایره سیره بُرد داشته باشد، اما بعضی می‌گویند که می‌شود اطلاقات فراتر از دایره انعقاد سیره بُرد داشته باشد.

# شمول ادله لفظیه نسبت به سیره متشرعه

بنابراین مبنایی می‌شود گفت که ادله لفظیه در باب تقلید و مراجعه به مجتهد شمولی بیش از سیره دارد، حتی اگر اشکال شود که جایی که متعارض باشد؛ آراء متفاوت را نمی‌گیرد، مانعی نیست که اطلاق آن‌ها را در بربگیرد.

مرحوم آقای حائری می‌فرمایند؛ در اینجا قرینه هست که باید این ادله اطلاق داشته باشد، قرینه این است که؛ ادله خواه سیره یا لفظی مراجعه به مجتهد؛ اگر گفته شود جایی که مجتهدین متساوی و آراءشان متفاوت باشد؛ نمی‌گیرد، معنایش این است که ادله را حمل بر صُور نادر بکنیم، حمل اطلاقات بر جایی که آراء مجتهدین متساوی متفاوت نیست، حمل بر نادر یا حمل بر مواردی است که در مقایسه با آن‌ها زیادتر نیست، موارد تساوی و توافق آراء نادر که حمل عام و مطلق بر مصادیق نادر و اخراج موارد شایع است؛ عرفی و صحیح نیست، باید حتماً گفته شود که موارد کثیره را در برمی‌گیرد تا از حمل بر نادر که قبیح است؛ بیرون بیاید، اگر گفته شود اهمیت این‌ها بیش از آن‌هاست، در این صورت یک تأیید است که آن اطلاقات نسبت به جایی که آراء و انظار متفاوت است؛ شمول داشته باشند.

1. - سوره مبارکه انبیاء آیه 7 [↑](#footnote-ref-1)
2. - بحارالأنوار: ح ۲، ص ۹۰، ح ۱۳ [↑](#footnote-ref-2)